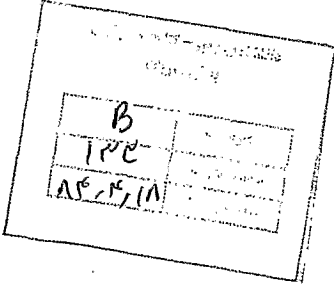


الله الرحمن الرحيم



دانشگاه پیام نور



دانشکده علوم انسانی
گروه الهیات و معارف اسلامی

تحلیل آراء انسان شناختی ملاصدرا

نگارش:

فهیمة جامعی

استاد راهنما:

دکتر بیوک علیزاده

استاد مشاور:

دکتر سید محمود یوسف ثانی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته:

الهیات (فلسفه و کلام)

شهریور سال یک هزار و سیصد و هشتاد و سه

۱۰۵۴۷۴

۱۳۸۷ / ۲ / ۱۴

گروه الهیات و معارف اسلامی
دانشکده علوم انسانی
دانشگاه پیام نور

چکیده مطالب

در بررسی آراء صدرالمتالهین درباره نفس به مطالب ارزنده و نوینی دست می‌یابیم. ملاصدرا در تعریف نفس به کمال اول برای جسم طبیعی آلی این مطلب را عنوان می‌کند که نفس از مقوله اضافه نیست بلکه نوعی اضافه وجودی به بدن دارد. در واقع وجود نفس عرض عریضی است که در یک طرف ماده جسمانی و در طرف دیگر عقل مفارق قرار گرفته است و نفس بواسطه حرکت جوهری مراتب اشتدادی خود را طی می‌کند تا به مرتبه تجرد تام عقلی واصل شود.

ملاصدرا نه تنها نفس انسانی را مجرد می‌داند و برای اثبات آن براهین عقلی و نقلی را مطرح می‌نماید، بلکه نفس حیوانی را نیز با کمک برهان عقلی اثبات کرده و تجرد خیال را نیز مطرح می‌کند او بر خلاف سایر حکما که فقط عقل بالفعل را باقی و فناپذیر می‌دانند قائل به بقای همه نفوس است.

۱۳۸۷ / ۲ / ۱۴

در مبحث قوای نفس علاوه بر اثبات تجرد خیال به نوآوری مهم ملاصدرا یعنی وحدت وجودی قوا برمی‌خوریم. بنابر اعتقاد حکمای مشاء هر کدام از قوا دارای وجود خاص به خود هستند و غالباً از سنخ اعراض می‌باشند. اما ملاصدرا نفس و قوای آن را موجود واحدی معرفی می‌کند که دارای مراتب مختلف بوده و هر مرتبه منشأ انتزاع قوه‌ای

خاص است «النفس فی وحدتها کل القوی» وی همچنین اتحاد نفس با قوای جسمانی را نیز اثبات می‌کند.

در بحث رابطه نفس و بدن ملاصدرا برخلاف عقیده افلاطون که نفس را مانند مرغی محبوس در قفس بدن به تصور کشیده است، به عقیده بوعلی سینا نزدیک می‌شود یعنی نفس را صورت و کمالی برای ماده جسمانی بدن می‌داند البته نوع تعلقی که بوعلی سینا برای نفس و بدن مطرح می‌کند تعلقی است که در آن نفس در حدوث و اصل وجود به بدن وابستگی ندارد بلکه نفس فقط از جهت بدست آوردن کمالات ثانوی خود محتاج به بدن است. اما صدرالمتالهین تعلق نفس به بدن را در ابتدای حدوث می‌داند نه در تداوم تشخص و این عقیده ناشی از نوآوری مهم دیگر وی مبنی بر جسمانیه‌الحدوث و روحانیه البقا بودن نفس است و در این در حالی است که حکمای فلسفه تا پیش از این نفس را روحانیه‌الحدوث و البقاء می‌دانسته‌اند.

به عقیده ملاصدرا نفس در ابتدا فاقد تمامی کمالات ادراکی است و از این نظر شبیه به هیولی است ولی در نهایت قادر به ایجاد صور خیالی و عقلی خواهد بود. پس هر بدنی نفس مخصوص به خود دارد که در زمینه خود او وجود می‌یابد و دنباله حرکت مادی همان بدن است. پس نفس انسان در طول عمر وی به تدریج ساخته می‌شود نه اینکه شخص دارای نفسی ثابت باشد که فقط صفات و حالات آن تغییر نماید.

در مسئله حدوث و قدم نفس نیز صدرالمتالهین بنابر همین عقیده نفس ناطقه انسانی را جوهری متجدد که در یکی از مراحل حرکت جوهری بوجود می‌آید معرفی می‌کند لذا نفس انسان در آغاز پیدایش خود امری است مادی و جسمانی که از همین عالم مادی پدید می‌آید و نفس در این هنگام صورتی قائم به بدن می‌باشد. ولی در بقای ذات خود بعد از استکمال دیگر نیازی به بدن نداشته و قائم به ذات خویش خواهد بود.

ملاصدرا برای اثبات این نظریه بسیار مهم از دو مقدمه تشکیک و حرکت جوهری کمک گرفته است و به وسیله آنها سیر حرکت در جوهر نفس و مراتب اشتدادی آن از ابتدای حدوث تا پایان سفرش به سمت علت غایی نفوس را به عنوان مراتبی جداناپذیر عنوان نموده است.

فهرست مندرجات

۲-۷	مقدمه
۲	اهمیت مبحث نفس و جایگاه علم النفس در بین معارف اسلامی
۳	تعریف فلاسفه پیشین از نفس
۳	طرح مسئله نفس از سوی ملاصدرا
۴	روش تحقیق
۵	مروری بر مباحث پایان نامه
۶	تشکر و قدردانی
۷	یادداشتهای مقدمه
۹-۱۴	فصل اول: زندگی نامه ملاصدرا
۱۰	اهمیت آراء ملاصدرا در فلسفه
۱۲	حکمت متعالیه ملاصدرا
۱۲	نقش انسان در حکمت متعالیه
۱۴-۱۵	یادداشتهای فصل اول

۱۶-۲۵	فصل دوم: تعریف نفس و اثبات جوهریت نفس
۱۶	مطلب مای شارحه یا تعریف اجمالی نفس
۱۷	مطلب هل بسیطه یا اثبات وجود نفس
۱۷	مطلب مای حقیقه
۱۸	اثبات عدم عروض نفس به عنوان مقوله ای اضافی
۱۸	برهان اول
۱۹	برهان دوم
۲۰	معنای کمال در تعریف نفس
۲۰	تعریف حکمای دیگر از نفس
۲۲	اثبات جوهریت نفس
۲۳	اثبات جوهریت نفس نباتی
۲۴	نتیجه
۲۵-۲۷	یادداشتهای فصل دوم
۲۸-۴۷	فصل سوم: تجرد نفس
۲۹	دلایل اثبات تجرد نفس حیوانی
۲۹	دلیل اول
۲۹	دلیل دوم
۳۱	دلیل سوم
۳۱	دلایل اثبات تجرد نفس انسانی
۳۲	دلیل اول
۳۳	دلیل دوم
۳۵	دلیل سوم
۳۶	دلیل چهارم
۳۷	دلیل پنجم
۳۷	دلیل ششم
۳۸	دلیل هفتم

۳۸	دلیل هشتم
۳۹	دلیل نهم
۴۰	دلیل دهم
۴۰	دلیل یازدهم
۴۱	براهین نقلی اثبات تجرد نفس انسانی
۴۲	فناناپذیری نفس
۴۳	تحلیل مطالب مربوط به تجرد نفس
۴۵-۴۶	یادداشتهای فصل سوم
۴۹-۷۶	فصل چهارم: قوای نفس
۵۰	نفس نباتی
۵۰	۱- قوه غاذیه
۵۰	۲- قوه نامیه
۵۰	۳- قوه مولده
۵۱	نفس حیوانی
۵۱	۱- قوه محرکه
۵۱	۲- قوه مدرکه
۵۲	نفس انسانی
۵۳	اثبات قوای متعدد نفس
۵۳	۱- نظر بوعلی در مورد اثبات تعدد قوای نفس
۵۴	۲- نظر ملاصدرا در مورد اثبات تعدد قوای نفس
۵۴	۳- دلایل ملاصدرا برای اثبات تعدد قوا
۵۴	دلیل اول
۵۴	دلیل دوم
۵۶	حواس باطنی
۵۷	۱- مدرک صور یا حس مشترک
۵۸	۲- مصوره یا خیال

۵۹	۳- متخیله یا مفکره یا متصرفه
۵۹	۴- واهمه یا وهمیه
۶۰	۵- حافظه
۶۱	قوای نفس ناطقه انسانی
۶۵	تحلیل مطالب ملاصدرا پیرامون حواس باطنی
۶۶	براهین اتحاد نفس با قوای جسمانی
۶۶	برهان اول
۶۶	برهان دوم
۶۶	برهان سوم
۶۷	وحدت وجودی قوا
۶۹	تحلیل مطالب مربوط به قوای نفس
۷۲	روان شناسی تجربی و علم النفس ملاصدرا
۷۴-۷۶	یادداشتهای فصل چهارم
۷۷-۹۱	فصل پنجم: رابطه نفس و بدن
۷۹	انواع تعلق
۸۰	اختلاف ملاصدرا و سایر فلاسفه در نوع رابطه نفس و بدن
۸۱	ادله تعدد قوای نفس
۸۱	دلیل اول
۸۱	دلیل دوم
۸۲	رابطه نفس و بدن و حرکت جوهری
۸۵	رابطه نفس و بدن به طور کلی
۸۶	تحلیل مطالب رابطه نفس و بدن
۸۸	نتیجه
۸۵-۹۱	یادداشتهای فصل پنجم
۹۲-۱۰۹	فصل ششم: حدود نفس
۹۴	تعریف حادث و قدیم

حدوث و قدم نفس	۹۵
۱- نظریه قدم نفس	۹۵
دلیل اول	۹۵
دلیل دوم	۹۵
دلیل سوم	۹۶
۲- حدوث نفس	۹۶
دلیل اول	۹۶
دلیل دوم	۹۷
بررسی دلایل حدوث نفس	۹۹
نظر ملاصدرا راجع به قدیم یا حادث بودن نفس	۹۹
حدوث جسمانی یا حدوث روحانی	۱۰۰
نظریه روحانیه الحدوث و روحانیه البقا	۱۰۰
استدلال بوعلی سینا	۱۰۰
نظریه جسمانیه الحدوث و روحانیه البقا	۱۰۱
دلایل ملاصدرا بر جسمانیه الحدوث بودن نفس	۱۰۱
دلیل اول	۱۰۱
اشکال وارد شده بر دلیل اول و پاسخ ملاصدرا	۱۰۲
دلیل دوم	۱۰۲
نظر ملاصدرا پیرامون حدوث نفس	۱۰۳
مقدمات نظریه حدوث جسمانی نفس	۱۰۳
۱- تشکیک	۱۰۳
۲- حرکت جوهری	۱۰۳
دلیل اول	۱۰۴
دلیل دوم	۱۰۴
دلیل سوم	۱۰۵
حرکت جوهری نفس	۱۰۶

۱۰۶.....	تحلیل مطالب حدوث نفس
۱۰۸-۱۰۹.....	یادداشتهای فصل ششم
۱۱۰-۱۱۴.....	فصل هفتم: نتیجه گیری
۱۱۱.....	نفس به عنوان مسئله مورد تحقیق
۱۱۲.....	نظریات انسان شناختی فلاسفه اسلامی
۱۱۲.....	نوع آوری های ملاصدرا در نظریات انسان شناختی
۱۱۲.....	دستاوردهای تحقیق
۱۱۳.....	نتیجه کلی
۱۱۴.....	یادداشتهای فصل هفتم
۱۱۵-۱۱۸.....	منابع و مأخذ

فهرست نمودارها

۶۳-۶۴.....	I نمودار
۹۸.....	II نمودار

فهرست علائم اختصاری

ش = شمسی
ه = هجری
ق = قمری
م = میلادی
ص = صفحه
صص = صفحات

مقدمه

مقدمه

در این مقدمه ابتدا به اهمیت مبحث نفس می پردازیم و تعریف فلاسفه پیشین از نفس را مطرح می کنیم . سپس در مورد روش تحقیق این مسئله توضیحاتی عرضه می کنیم و در آخر نیز مروری کوتاه بر مباحث پایان نامه خواهیم داشت .

اهمیت مبحث نفس و جایگاه علم النفس در بین معارف اسلامی

از مسائل مهم مطرح شده در مباحث اسلامی مسئله نفس است . این مسئله ارتباط زیادی با بخشهای مختلف معارف اسلامی مخصوصاً فلسفه اسلامی دارد . ارتباط شناخت نفس با شناخت خداوند سبب شده است که بسیاری از علما و دانشمندان و فلاسفه اسلامی مباحث گسترده ای پیرامون نفس مطرح نمایند . نفس بعنوان ودیعه ارزشمند الهی در انسان، همیشه مرکز توجه اندیشمندان بوده است . تحقیقات و مطالعات پیرامون نفس تا آنجا گسترش یافته است که سبب بوجود آمدن مبحث جداگانه ای به نام علم النفس گردیده است . از آنجا که در گذشته علم به صورت امروزی خود تفکیک و تخصصی نشده بود، علم النفس از شاخه های مهم علم فلسفه محسوب می شد . به همین جهت در کتب، تألیفات و رساله های فلاسفه بزرگ اسلامی مباحث دقیق و ظریفی راجع به نفس به چشم می خورد.

و فیلسوفان بزرگ بسیاری در این زمینه صاحب نظر می باشند. بعنوان مثال می توان از غزالی، کندی، بوعلی سینا، فارابی و مهم تر از همه ملاصدرا نام برد.

تعریف فلاسفه پیشین از نفس

هریک از این بزرگان فلسفه علاوه بر تعریف نفس، عقاید متفاوتی را راجع به نفس مطرح نموده اند. ابویوسف یعقوب بن اسحاق کندی، در رساله القول فی النفس المختصر من کتاب ارسطو و فلاطن و سایر الفلاسفه، نفس را اینگونه تعریف می کند: نفس نخستین استکمال جسم طبیعی بالقوه دارای حیات است. البته این تعریف اساساً از ارسطو و حکمای پیرو مکتب اوست.

ابونصر محمد بن فارابی چنین تعریفی را از نفس ارائه می دهد: نفس نخستین استکمال جسم طبیعی آلی بالقوه ذی الحیات است. وی در کتاب خود، اهل المدینه الفاضله به بحث راجع به وحدت نفس می پردازد.

شیخ الرئیس حسین بن عبدالله بن سینا نفس را به معنی وسیع مبدأ و حرکت در نظر گرفته است و همه کائنات را واجد این موهبت می داند.

ابوحامد غزالی در کتاب معارج القدس فی مدارج معرفه النفس میان نفس نباتی، نفس حیوانی و نفس انسانی فرق می گذارد و این انواع سه گانه را به همان طریق که ابن سینا و فارابی تعریف کرده اند توضیح می دهد.

طرح مسئله نفس از سوی ملاصدرا

حدود هشت قرن بعد از کندی مسئله نفس همانند سایر مسایل فلسفی توسط فیلسوف دیگری دوباره مطرح می شود. این فیلسوف بزرگوار بنیان فلسفی خود را بر پایه های فیلسوفان قبل از خود بنا می نهد. اما مثل همه موارد ابتدا آنها را کاملاً اصلاح می کند و سپس به روش منحصر به فرد خود جوابگوی مسائل حل نشده زمان خود می گردد. این فیلسوف

عالیقدر کسی نیست غیر از صدرالدین محمد شیرازی معروف به ملاصدرا. از عظمت و ارزش این دانشمند الهی همین بس که فیلسوفان اسلامی بعد از او همیشه از وی به بزرگی و افتخار یاد می کنند. استاد او میرداماد در مورد وی می گوید:

صدر ا جاهت گرفت باج از گردن اقرار به بند گیت کرد افلاطون
بر مسند تحقیق نیامد چون تو یک سر ز گریبان طبیعت بیرون

حضرت امام خمینی (ره) در کتاب اربعین حدیث از ملاصدرا با چنین عباراتی یاد می کند، سرآمد اهل توحید، فخر طایفه حقه، محقق فلاسفه و فیلسوف محققین، اعظم الفلاسفه علی الاطلاق، صدرالحکماء و الفلاسفه، افضل الحکماء الاسلامیه، فیلسوف کبیر و عظیم الشأن^۱.

روش تحقیق

روش تحقیق ما در این اثر، در بررسی آراء انسان شناختی ملاصدرا، روش توصیفی - تحلیلی است که کوشیده ایم تا ابتدا مسئله از دیدگاه کلی مطرح شود. سپس نظر ملاصدرا را پیرامون آن بیان گردیده است و دلایل وی عرضه شده است. در این روش سعی شده است تا به نوآوری های صدرالمتألهین بیشتر اشاره شود. در پایان هم سعی نمودیم تا تحلیل هایی هرچند کوتاه پیرامون مباحث مطرح شده ارائه دهیم.

دشواری این کار در این بوده است که عمده مطالب مطرح شده توسط پیشینیان، بصورت دسته بندی و منظم عرضه نشده است و همین امر محقق و پژوهشگر را با مشکلات زیادی روبرو می کند. و گاهی وی را مجبور می کند تا آثار متعدد ایشان را برای دستیابی به یک مسئله مورد مطالعه و پژوهش قرار دهد. به نظر می رسد، حکمای قدیم، به دسته بندی و نظام مند نمودن یافته ها و اطلاعات مطرح شده خود توجه چندانی نداشته اند و همین باعث شده است تا کار بر روی متون قدیمی فلاسفه مشکل تر گردد.

در حال حاضر محققان و پژوهشگران برای رفع این مشکل وظیفه دارند تا ضوابط و آداب خاصی را در تحقیق‌های خود رعایت نمایند و بنابراین اگر محققان پس از بررسی آراء گذشتگان، این مطالب ارزشمند را بصورت دسته‌بندی نوین عرضه نمایند بعضی از مشکلات در دستیابی به این مطالب از بین خواهد رفت.

مروری بر مباحث پایان نامه

این رساله از شش فصل تشکیل شده است.

مقدمه پایان نامه شامل اهمیت موضوع، روش تحقیق و مروری کوتاه بر مطالب کلی پایان نامه است.

در فصل اول اشاره‌ای به زندگی‌نامه ملاصدرا و اهمیت آراء وی در فلسفه شده است. حکمت متعالیه، نقش انسان در این حکمت و علم النفس در کتاب اسفار اربعه از مطالب عمده این فصل هستند.

در فصل دوم به تعریف نفس و اثبات جوهریت نفس پرداخته ایم. در این فصل سعی شده است تا مطالب اصلی مربوط به تعریف نفس و کلمات بکار برده در تعریف آن مورد بررسی قرار گیرد. در بخش اثبات جوهریت نفس نیز دلایل مربوط به جوهریت نفس نباتی و نفس حیوانی و انسانی آورده شده است. و در پایان نیز به عنوان نتیجه بحث نظر ملاصدرا بیان گردیده است.

فصل سوم پایان نامه، به مسئله تجرد نفس می‌پردازد. در این فصل ابتدا براهین تجرد نفس حیوانی را بیان کرده ایم و سپس دلایل مربوط به اثبات تجرد نفس انسانی را آورده ایم. پس از این براهین عقلی، به طرح براهین نقلی پرداخته ایم و در آخر بحث نیز تحلیلی کوتاه ارائه داده ایم.

در فصل چهارم که طولانی‌ترین فصل این پایان نامه است به بررسی قوای نفس پرداخته ایم. در ابتدا تعاریف شیخ الرئیس را از نفس نباتی، نفس حیوانی و نفس انسانی بیان کرده ایم و سپس قوای هریک را به تفصیل معرفی نمودیم و سپس نظر ویژه

صدرالمتالهین در مورد وحدت وجودی قوا به عنوان نوآوری مهم وی در علم النفس را مطرح کردیم.

در فصل پنجم به رابطه نفس و بدن پرداختیم. در این بخش به بررسی اختلاف صدرالمتالهین و سایر حکمای پیشین اقدام نمودیم. نظریات پیرامون رابطه نفس و بدن را بطور کلی مطرح کردیم.

در فصل ششم پایان نامه مسئله حدوث نفس مطرح می شود. در این فصل یکی از مهمترین نظریات صدرالمتالهین یعنی جسمانیة الحدوث^۳ و روحانیة البقاء بودن نفس^۴ در مقابل نظر بوعلی سینا یعنی روحانیة الحدوث و روحانیة البقاء بودن نفس عنوان می گردد. و در همین بخش نظریه مهم دیگر ملاصدرا یعنی حرکت جوهری^۵ به عنوان مقدمه مطرح می گردد و در آخرین فصل نیز نتیجه گیری کلی از پایان نامه بعمل آمده است.

تشکر و قدردانی

در پدید آمدن این پایان نامه بعد از لطف پروردگار منان، قبل از هر کس از استاد محترم خود جناب آقای دکتر بیوک عزیزاده که در تمام مراحل تنظیم پایان نامه باسعه صدر و بزرگواری، از ارائه هیچ کمکی به بنده دریغ ننمودند کمال تشکر را دارم و همچنین جناب آقای دکتر یوسف ثانی که بر من منت گذاشته مشاوره این پایان نامه را پذیرفتند. از خداوند بزرگ خواستارم که ایشان را به مقام راسخون در علم رهنمون نماید. همچنین از همسر، آقای اردکانی تشکر می کنم که در سراسر طول تحصیل بنده، بزرگترین کمک و همراه من در راه کسب علم بوده است.

از خداوند علیم توفیق همه عزیزانی که راهگشای راه منور علم آموزی هستند را

خواستارم.

یادداشت مقدمه

۱- خمینی، روح الله، اربعین حدیث، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، صص ۶۵۴، ۶۵۱، ۵۸۶، ۴۵۶، ۴۱۶، ۳۹۵، ۳۸۶، ۱۹۲.

۲- بزرگ ترین کتاب ملاصدرا به نام "الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقیله الاربعه" می باشد که شاهکار وی محسوب می گردد این کتاب مشتمل بر هزار صفحه در قطع رحلی است که تاثیر به سزایی در اندیشه فلاسفه بعد از ملاصدرا به جای گذاشته است.

۳- نفس در آغاز امر و ابتدای حدوث و تکون از همین مواد و عناصر موجود در این عالم پدید می آید و در این هنگام صورتی است قائم به بدن.

۴- نفس پس از استکمال و خروج از قوه به فعل و طی مراتب کمال موجودی است روحانی البقا که در بقای ذات خود دیگر به بدن نیازی ندارد، بلکه قائم به ذات خودش است و فاعل بدون آلت و ادوات جسمانی.

۵- اشیا ذاتاً و جوهرأ متحرک و در سیلان و جزیان هستند و اعراض هم در این حرکت تابع جواهرند. یعنی برخلاف آنچه قبلاً تصور می شد که حرکت تنها در چهار مقوله عرضی کم، کیف، این و وضع وجود دارد حرکت در ذات اشیا نیز جاری است.

فصل اول

زندگی نامه ملا صدرا

زندگینامه ملا صدرا

در این فصل ابتدا شرح خلاصه ای از زندگی ملا صدرا را بیان می کنیم و سپس به نقش مهم و جایگاه ارزشمند آراء وی در فلسفه اسلامی پردازیم. در قسمت بعد، از حکمت متعالیه ملا صدرا و نقش انسان در این حکمت به اجمال سخن می رود همچنین اشاره ای گذرا به کتاب چهارم اسفار که در آن مباحث مربوط به علم النفس مطرح شده است می نمایم.

صدرالدین محمد شیرازی معروف به صدر المتالیهین و ملا صدرا در سال ۹۷۹ هـ.ق (۱۵۷۱ م) در شهر شیراز به دنیا آمد. وی در آغاز دهه سوم عمر خود بدنبال یافتن استادان بزرگ شیراز را ترک نمود و به سوی اصفهان، ری و قزوین (پایتخت آنروز ایران) رفت. در بین سالهای ۱۰۰۳ تا ۱۰۰۷ هجری نزد شیخ بهائی^۱ و میرداماد^۲ درس خواند. با انتقال پایتخت به اصفهان وی نیز همراه استادان خود به اصفهان رفت و در آنجا فلسفه مشائی و اشراقی، عرفان اسلامی، منطق و کلام را در کنار تحصیل فقه، تفسیر، حدیث و برخی علوم دیگر مانند نجوم، اسطرلاب، ریاضیات و پزشکی پشت سر نهاد. در دهه دوم قرن یازدهم به شیراز برگشته در آنجا ازدواج نمود ولی به سبب برخورد بد دانشمندان زمان خود شیراز را ترک کرد و به روستای کهک در کنار شهر قم عزیمت کرد. وی در آنجا به عبادت و ریاضت پرداخت تا آنجا که به الهامات و مشاهدات الهی و آسمانی رسید و سرانجام از هاتف غیبی فرمان یافت که بکار نگارش کتابهای فلسفی دست زند. در همین

ایام در کنار تألیف کتاب بزرگ خود اسفار به تدریس و تربیت شاگردان معروف و بزرگی مانند ملامحسن فیض کاشانی^۳ و ملاعبد الرزاق لاهیجی که هر دو بعدها داماد او شدند مشغول شد. در پایان دههٔ چهارم سال یکهزار هجری به شیراز برگشت و به آموزش فلسفه و تفسیر و حدیث پرداخت. وی هفت بار به زیارت خانه خدا و مقابر مقدس امامان اول و سوم رفت تا آنکه در آخرین سفر به سبب بیماری در عراق در گذشت و در همانجا مدفون شد. از ملاصدرا بیش از چهل کتاب و رساله باقی مانده است^۴ که مشهورترین و بزرگترین آنها حکمت متعالیه مشهور به اسفار اربعه می باشد.

اهمیت آراء ملاصدرا در فلسفه

صدرالدین محمد بن ابراهیم شیرازی یکی از چهره های عظیم الشان تفکر اسلامی بخصوص تفکر اسلام شیعی و علی الاخص تفکر اسلام شیعی ایرانی است. او همانند هر دانشمند بزرگ دیگری از یافته های گذشتگان خود سود جست و در تفکر آیندگان خود تأثیر گذاشته است. در فلسفه او جای پای اندیشه بزرگانی چون افلاطون، ارسطو، افلوپین تافارابی، ابن سینا، سهروردی، خواجه نصیر طوسی، ابن عربی و میرداماد بخوبی آشکار است. همینطور تأثیر اندیشه های او بر بزرگان فلسفه بعد از او چون فیض کاشانی، عبدالرزاق لاهیجی و قاضی سعید قمی تا ملاعلی نوری، ملاحادی سبزواری، ملاعلی مدرس زنوزی و علامه طباطبایی بوضوح هویدا است. از آنجا که مکتب وی (حکمت متعالیه) مکتبی نو و مستقل است، نمی توان آنرا دنباله و مفسر فلسفه گذشته و یا صرفاً مشائی^۵ یا اشراقی^۶ نامید. بنابراین اگرچه مسائل فلسفه او کمابیش همان مسائل فلسفه قدیم یا علم کلام می باشد، ولی میان حکمت متعالیه وی و فلسفه ابن سینا و ارسطو فاصله بسیاری است. حتی از مکاتب اشراقی و یا تصوف ابن عربی نیز جدا است.

در واقع ملاصدرا به اصلاح و بازنگری فلسفه های گذشته پرداخت و مسائلی را که فلاسفه بزرگی چون ابن سینا در آن فرومانده بودند حل کرد. مکتب او از یک سو به